روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

وطن امروز

پیامبر اعظم(ص):
کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

اخبار

واکنش سیدرضا میرکریمی به تجاوز رژیم صهیونیستی

رضا میرکریمی کارگردان سینما در پی حمله رژیم صهیونیستی به ایران، در شبکه ایکس واکنش نشان داد. وی با انتشار تصویری از نقشه ایران نوشت: «ما از آغاز تاریخ اینجا بوده‌ایم، شما کی آمدید؟»

پیش‌تر نیز این فیلمساز سینمای ایران در واکنش به شهادت یحیی سنوار در غزه با ترسیم شرح صحنه سینمایی نسبت به این اقدام واکنش نشان داده بود.

میرکریمی، فیلمساز ۵۸ ساله سینمای ایران فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیباست که فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۶۶ با ساخت فیلم کوتاه آغاز کرد و پس از تولید ۲ سریال برای تلویزیون در سال ۷۸، با نخستین فیلم بلند سینمایی با عنوان «کودک و سرباز» به جمع کارگردانان سینمای ایران وارد شد. وی جزو معدود فیلمسازان ایرانی است که تمام آثارش در جشنواره‌های جهانی موفق به کسب جوایز شده است. «قصر شیرین»، «دختر، امروز»، «یک حبه قند»، «به همین سادگی»، «خیلی دور خیلی نزدیک»، «اینجا چراغی روشن است»، «زیر نور ماه» و «کودک و سرباز» آثاری است که این فیلمساز در سینمای ایران ساخته است.

واکنش جواد قارایی به حمله صهیونیست‌ها

جواد قارایی، مستندساز تلویزیون و کارگردان مجموعه مستندهای «ایرانگرد» نسبت به حمله صهیونیست‌ها به کشورمان در استوری اینستاگرامش واکنش نشان داد.

قارایی در یادداشتی نوشت: حمله صهیونیست‌های جنایتکار به پایتخت و چند استان دیگر در ایران جان‌مان ۲ نکته داشت. نخست اینکه طبق ادعاها و تهدیدات‌شان جرأت حمله به تاسیسات زیربنایی کشور را نداشتند و مشخص است که این بزدلان زورشان فقط به ضعفا می‌رسد. وی در ادامه آورده است: هر چند در همین حملات‌شان به مراکز نظامی، پدافند دفاعی ایران بسیار خوب عمل کرد و جای سپاس دارد اما نکته دوم مهم‌تر است؛ پس از حملات هوایی به پایتخت ایران توسط صدام در حدود ۴۰ سال پیش، حالا اسرائیل از مهم‌ترین خط قرمز ایران عبور کرده و به خاک وطن حمله کرده است. قطعا اگر پاسخ محکمی دریافت نکند، این گستاخی بسیار بزرگ را تکرار خواهد کرد. وقتی به خاک وطن تجاوز شود، دیگر خط قرمزی وجود ندارد.

قارایی در بخش دیگر یادداشت خود نوشته است: اما اردن، می‌گویند از آسمانش برای حمله استفاده شده. بی‌شک باید ادب شود تا درس عبرتی برای دیگر شرکای اسرائیل جنایتکار و متجاوز شود. همه آنچه نوشتم فقط برای صلح است اگرنه دچار جنگی خانمانسوز و خسارتی جبران‌ناپذیر خواهیم شد. پایه اصلی صلح، قدرت نظامی و بازدارندگی و مقابله با متجاوز است.

زدی؟! جواب بگیری جواب خیلی بد!

احمد رفیعی‌وردنجانی، شاعر و طنزپرداز، پس از تعرض رژیم صهیونیستی به آسمان کشور، شعر طنزی سروده و پاسخ قاطع ایران را به این رژیم جعلی بشارت داده است.

مشروح متن این شعر طنز را در ادامه می‌خوانیم؛

زدی؟! جواب بگیری، جواب خیلی بد! / جواب محکم و کوبنده‌ای فراتر از حد / چنان که مات بماند فلاخن داوود / که هیچ چیز نماند به جا از آن گنبد / چنان که وقت نظر بر شکوه حمله ما / ز فرق هرچه ستمگر، کلاه می‌افتد / چنان جواب که آید به گوش اهل جهان / صدای زوزه یک‌ریز و وق وق ممتد / چنان که ارتش سگیون شود از آن نابود / چنان که هر چه ستمگر، دهند از آن، رد / چنان که لفت زِ هستی دهند آنان که / نموده‌اند به نوعی ستمگران را اَد / «بر این رواق زبرجد نوشته‌اند به ز» / هزار می‌خورد آنکه یکی به ایران زد / دقیقه‌های نهایی بازی فینال... / فنا شود ستم از این گل دقیقه نود/ رسید موعد انجام وعد صادق سه / «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد».

نمایش فیلم «دوار» در نیجریه

فیلم سینمایی «دوار» به کارگردانی میثم حسن‌زاده و تهیه‌کنندگی علیرضا علویان بعد از نمایش در گروه سینمایی «هنر و تجربه» و در ادامه حضورهای بین‌المللی خود به سیزدهمین جشنواره فیلم آفریقا در نیجریه راه یافت. این جشنواره از ۹ نوامبر (۱۳ تا ۱۹ آبان) در شهر لاگوس پایتخت نیجریه برگزار خواهد شد. فیلم «دوار» با نام بین‌المللی Orbital توسط ماداکتو پیکچرز به جشنواره‌های جهانی عرضه شده و پیش از این برنده جایزه بهترین کارگردانی از هشتمین جشنواره SoundScreen ایتالیا شده بود، همچنین در بیست‌ودومین دوره جشنواره فیلم روح آتش در روسیه، پانزدهمین جشنواره فیلم‌های مستقل ویرجینیا، پنجمین جشنواره اسکیپ تاون لس‌آنجلس، نهمین جشنواره Las Cruces در آمریکا و چهارمین دوره Kick-Off در لهستان و Interrobang Film Festival انگلیس به نمایش درآمده بود. میلاد خزاعی، مهسا اکبرپور، راحیل کافی، رضا سنایی و مصطفی امیری بازیگران «دوار» هستند.

اکبر زنجان‌پور با «اکتینگ» به تماشاخانه ایران‌شهر رسید

نمایش «اکتینگ» نوشته زویه دورنژه و ترجمه زیبا خادم‌حقیقت با کارگردانی اکبر زنجان‌پور و تهیه‌کنندگی محمد قدس از ۱۴ آبان ۱۴۰۳ در سالن ناظرزاده‌کرمانی تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود. پیش‌فروش بلیت‌های این اثر نمایشی از سه‌شنبه هشتم آبان، ساعت ۱۲ در سایت تیوال آغاز می‌شود. اکبر زنجان‌پور، هوشنگ قوانلو و محسن بهرامی بازیگران نمایش «اکتینگ» هستند. زنجان‌پور بازیگر و کارگردان تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران پس از ۸ سال دوری از تئاتر، با نمایش جدیدش «اکتینگ» روی صحنه می‌آید. پیش‌تر قرار بود مرتضی اسماعیل‌کاشی به‌عنوان بازیگر در این اثر نمایشی ایفای نقش کند که به دلیل تعویق در زمان اجرا و تداخل با پروژه‌ای دیگر، محسن بهرامی بازیگر سینما و تئاتر جایگزین وی شد.

نگاهی به فیلم‌های سینمای ایران با موضوع ارتش جمهوری اسلامی به بهانه شهادت غیورمردان ارتش در تجاوز رژیم صهیونیستی

عقاب‌های ایرانی

محمد محمدی: ارتش جمهوری اسلامی ایران را باید یکی از مقتدرترین ارکان نظامی کشور دانست؛ ارتشی که با تقدیم بیش از ۴۸ هزار شهید در دوران دفاع مقدس نشان داد تعهد و دفاع از مرز و خاک کشور را نه یک وظیفه و ماموریت سازمانی، بلکه یک تعهد برآمده از عمق دل و جان می‌داند. به عنوان نمونه در آخرین مورد می‌توان به تجاوز اسرائیل در بامداد ۵ آبان اشاره کرد که مطابق اطلاعیه رسمی ارتش ۴ نفر از نیروهای جان برکف به شهادت رسیدند و جان خود را برای امنیت مردم و کشور در طبق اخلاص قرار دادند.

اما جدا از موفقیت‌ها و از جان‌گذشتگی‌های غیورمردان ارتش، این نیرو در شناسانده شدن به مردم به معنای واقعی مظلوم واقع شده است؛ موضوعی که معاون فرهنگی و تبلیغات ارتش جمهوری اسلامی نیز بدان اذعان می‌کند و کم‌کاری موجود را یکی از نقاط ضعف در این حوزه بر می‌شمارد؛ مسأله‌ای که مستقیم به حوزه فرهنگ و هنر مربوط است و باید این پرسش مطرح شود که اساسا چرا سبد محصولات هنری کشور پیرامون شناساندن و معرفی سربازان جان برکف ارتش بسیار محدود و کم است؟

وقتی به محصولات هنری کشور طی ۴ دهه گذشته نگاهی انداخته شود بسادگی می‌توان فهمید که در حوزه تئاتر، سینما و تجسمی وضعیت بسیار تاسف‌آور است اما در حوزه کتاب و نشر در وضعیت مطلوب‌تری به نسبت سایر حوزه‌ها قرار گرفته‌ایم.

در حوزه تئاتر و تجسمی چندان آمار مستندی وجود ندارد و نمی‌توان بررسی دقیقی انجام داد اما در حوزه سینما با توجه به آمار منتشرشده در سالنامه آماری سینما، به رغم اکران بیش از ۸ هزار فیلم طی ۴ دهه، سهم غیورمردان ارتش عددی زیر ۲ درصد است، آن هم در حالی که اغلب آثار تولید شده مربوط به دهه ۶۰ است و هر چه جلوتر آمدیم کم و کمتر شد و همه اینها در حالی است که همچنان پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران فیلم سینمایی «عقاب‌ها»ست که روایتی از قدرتنمایی ارتش جمهوری اسلامی در روزهای آغازین دفاع مقدس است.

شهادت سربازان ارتش عزیز در عملیات بامداد روز گذشته بهانه‌ای شد تا مروری بر معدود آثار سینمایی که طی ۴ دهه گذشته در بازنمایی شجاعت، دلاوری و از خودگذشتگی ارتشیان روی پرده نقره‌ای رفته‌اند، داشته باشیم.

بدون شک نخستین و یقینا مهم‌ترین فیلم با موضوع ارتش جمهوری اسلامی را باید فیلم «عقاب‌ها» دانست؛ فیلمی که با بیش از ۱۰ میلیون مخاطب تا امروز پرمخاطب‌ترین فیلم نه تنها در ژانر جنگی، بلکه در کل سینمای ایران است.

سال ۶۴ که فیلم «عقاب‌ها» در سینماهای کشور به نمایش درآمد، بر پایه آمار تقریبی، ۲۰ درصد مردم این فیلم را به تماشا نشستند، یعنی از هر ۵ ایرانی، یک نفر آن را بر پرده نقره‌ای مشاهده کرده و این آماری است که درباره هیچ فیلم دیگری در تاریخ کشورمان تکرار نشده است.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه این فیلم سینمایی این بوده که داستانی واقعی (نجات خلبان یدالله شریفی‌راد از دست دشمن) را دستمایه قرار داده و انصافاً کارگردان از تمام ظرفیت‌های داستان‌گویی در این باره به منظور درگیر کردن ذهن مخاطب با قصه بویژه برانگیختن حس وطن‌دوستی و دشمن‌ستیزی در وجود او مدد گرفته است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «در جنگ ایران و عراق یک هواپیمای ارتش ایران، پس از انجام مأموریتی در خاک عراق، هدف حمله عراقی‌ها قرار می‌گیرد و در کردستان عراق سقوط می‌کند. خلبان با چتر نجات فرود می‌آید. گروهی از نظامیان در پی دستگیری او هستند. خلبان به کمک یک تکاور ایرانی که برای انجام مأموریتی با لباس مبدل وارد کردستان عراق شده، نجات می‌یابد. هر ۲ پس از درگیری با نظامیان دشمن به همراه گروهی از مبارزان کرد عراقی به روستایی پناه می‌برند. نظامیان آنان را تعقیب می‌کنند. خلبان و تکاور با موتوسیکلت می‌گریزند. یک هلیکوپتر عراقی آنها را تعقیب می‌کند. در نزدیکی مرز نیروهای ایرانی هلیکوپتر را سرنگون می‌کنند. خلبان و تکاور، سوار بر موتوسیکلت، در نزدیکی مرز به سرعت به میدان مین نزدیک می‌شوند. اشاره سربازان ایرانی که می‌کوشند آن دو را متوجه خطر کنند مؤثر نمی‌افتد و در برخورد موتوسیکلت با مین تکاور کشته می‌شود و خلبان نجات می‌یابد».

نکته حائز اهمیت دیگر درباره این فیلم، استفاده درست و هوشمندانه از عنصر موسیقی است که بویژه هنرمندی خاص مجید انتظامی دخیل شده تا مخاطب از همان تیتراژ آغازین فیلم، درگیر این اثر شده و در انتظار تماشای لحظات حماسی و ایثار خلبانان و رزمندگان باشد. با این همه دلیل اصلی موفقیت فیلم را باید در قصه‌گویی آن دانست و اینکه معمولا تماشاگر ایرانی با قصه قهرمانان خود بویژه در ژانر جنگی ارتباط خوبی برقرار می‌کند.

پس از «عقاب‌ها»، «کانی مانگا» را باید مهم‌ترین فیلم سینمای دفاع‌مقدس با موضوع ارتش دانست؛ فیلمی که در کارنامه کوتاه زنده‌یاد سیف‌الله داد نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قصه درباره یک هواپیمای عراقی در منطقه «کانی مانگا» - واقع در کردستان ایران - است که سقوط می‌کند و خلبان آن که جان سالم به در برده می‌گریزد. گروهی تکاور زیر نظر سروان یاوری مأمور می‌شوند خلبان را به اسارت درآورند. یکی از گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی به سرکردگی «کاک هوشنگ» وارد کارزار می‌شوند تا خلبان را نجات بدهند. تکاوران با اعضای گروه مسلح درگیر می‌شوند و خلبان عراقی را دستگیر می‌کنند. فیلم از لحاظ جلوه‌های بصری و ساختار کارگردانی یکی از فیلم‌های پیشرو در حوزه سینمای دفاع‌مقدس است که می‌توان آن را الگوی خوبی برای فیلم‌های جنگی دانست.

یکی دیگر از ویژگی‌های این فیلم اکران متداوم آن طی ۱۸ سال است، «کانی مانگا» از سال ۶۷ تا ۸۵ به صورت مستمر در سینماهای کشور اکران شد و در نهایت با ۷ میلیون مخاطب، عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین فیلم‌های سینمای ایران را در اختیار دارد.

«پایگاه جهنمی» به کارگردانی و نویسندگی اکبر صادقی محصول سال ۱۳۶۳ فیلم دیگری است که در این فهرست قرار می‌گیرد. خبر ساخت یک پایگاه قدرتمند دشمن در خاک خود به ستاد عملیات نیروی دریایی ارتش ایران می‌رسد. یک تیم ۴ نفره به فرماندهی ستوان بای انتخاب می‌شود تا این پایگاه جهنمی را منهدم کنند. در آغاز این ماموریت سرنوشت هر ۴ نفر تغییر می‌کند و شرایط سختی بر آنها حاکم می‌شود. این فیلم بر اساس یک داستان واقعی از یکی از مهم‌ترین عملیات‌های کماندویی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان جنگ تحمیلی به نام «چشم دشمن» ساخته شده است که اجرا و فرماندهی عملیات بر عهده امیر دریادار عیسی حسینی‌بای، از کماندوهای زبده نیروی دریایی بوده است. این تیم کماندویی طی چندین مرحله عملیات شناسایی با نفوذ چندین کیلومتری به داخل خاک عراق و در نهایت انهدام این پایگاه راداری موشکی، به سلامت به داخل خاک کشور بازمی‌گردند. فرامرز قریبیان، جمشید هاشم‌پور، کاظم افرندنیا، حسین ملاقاسمی، علی محزون، زکریا هاشمی، بهزاد رحیم‌خانی، علی برجسته، شاپور بخشایی، تقی محمودی و... بازیگران فیلم هستند.

فیلم دیگری که می‌توان در این فهرست گنجاند، «حمله به اچ ۳» به کارگردانی شهریار بحرانی است. این فیلم سال ۱۳۷۳ ساخته شد. فیلم با الهام از عملیات اچ ۳ که از عملیات‌های هوایی موفق و مهم در جریان جنگ ایران و عراق بود، ساخته شد. ستاد نیروهای هوایی عراق که برتری نیروی هوایی ایران را حس کرده بود و شکست حصر آبادان را نزدیک می‌دید، جهت حفاظت از هواپیماهای استراتژیک خود در برابر حملات ایران، آنها را به ۳ پایگاه دورافتاده در نزدیک مرز اردن منتقل کرد.

در مقابل ستاد نیروهای هوایی ایران نیز برای بمباران این ۳ پایگاه که به نام پایگاه‌های اچ۳ معروفند، طرحی در نظر می‌گیرد. سرانجام سحرگاه ۱۵ فروردین ۱۳۶۰، ۸ فروند جنگنده بمب‌افکن فانتوم از پایگاه سوم شکاری شهید نوژه جهت حمله به اچ۳ به پرواز درآمدند. جعفر دهقان، محمد کاسبی، فرامرز شهنی، حسین یاری، حسن عباسی، سعید قائمی، سعید خوشدل، سیدناصر هاشمی و سیدجلال طباطبایی بازیگران فیلم را تشکیل می‌دادند.

یکی از مؤخرترین فیلم‌ها در این ارتباط «منصور» به کارگردانی و نویسندگی سیاوش سرمدی و تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی محصول سال ۱۳۹۹ است که آبان ۱۴۰۰ اکران شد. فیلم در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت. این فیلم به روایتی از زندگی شهید سرلشکر منصور ستاری می‌پردازد. این فیلم درباره بخش‌هایی از زندگی تیمسار منصور ستاری، فرمانده سابق نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و ساخت نخستین جنگنده ایرانی است. محسن قصابیان، علیرضا زمانی‌نسب، حمیدرضا نعیمی، مهدی کوشکی، لیندا کیانی، سیدجواد هاشمی، قاسم زارع و اتابک نادری بازیگران فیلم بودند.

«پی ۲۲» با نام قبلی «مرواریدهای خلیج فارس» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی حسین قاسمی جامی محصول سال ۱۳۹۳ هم دیگر فیلم مربوط به دلاورمردان ارتش است. فیلم «پی ۲۲» بر اساس مستند ناوچه جوشن ساخته شده است. این رویداد در فروردین ۶۷ در درگیری با نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا اتفاق افتاد. در خلاصه داستان این فیلم آمده: در شب عروسی دختر سرگرد هادی، فرمانده سابق تکاوران نیروی دریایی با پسر شهید ناخدا محمدی، سرگرد هادی متوجه می‌شود داماد به محل شهادت پدرش رفته است. هادی برای پیدا کردن او به محل مورد نظر می‌رود اما... امین حیایی، افسانه بایگان، نسرین مقانلو، الهه حصاری، هادی ساعی و... در این کار نقش‌آفرینی کرده‌اند. مدیوم تلویزیون وجه مکمل آثار سینمایی تولید شده درباره فداکاری نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی است، هر چند ادای دین این مدیوم به فداکاری نیروهای مخلص ارتشی در طول دفاع ۸ ساله، تنها ۲ اثر قابل قبول بوده اما استقبال گسترده مخاطبان از آنها حاوی این پیام است که مردم قدردان نیروهای ارتشی هستند. سریال «سیمرغ» ساخته حسین قاسمی‌جامی نخستین اثری بود که به زندگی ۲ خلبان هوانیروز یعنی شهید احمد کشوری و شهید علی‌اکبر شیرودی پرداخت و بارها از شبکه‌های مختلف سیما بازپخش شده است. دومین سریال تلویزیونی که در رابطه با نیروهای ارتشی ساخته شده سریال «شوق پرواز» به کارگردانی زنده‌یاد یدالله صمدی بود که با روایت بخشی از زندگی شهید سرافراز سرلشکر عباس بابایی تولید و به یکی از پرمخاطب‌ترین مجموعه‌های نمایشی سیما در چند سال اخیر تبدیل شد.

در انتها باید یادآور شد فیلم‌های دیگری چون «پلاک»، «فرار مرگبار»، «تهاجم»، «خلبان»، «گارد ویژه»، «رابه مرگ»، «دایره سرخ» و... هم تولید شده‌اند که به نوعی در آنها به ارتش توجه شده است؛ کارهایی که در آن صرفا صحنه‌های جنگی وجود دارد. این ارزیابی اجمالی نشان می‌دهد فیلم‌های که محور آن ارتش هستند تنها به صحنه‌های جنگ خلاصه شده است و در میان این لیست فیلمی را نمی‌توان یافت که هم در آن جذابیت‌های جنگی وجود داشته باشد هم اینکه بتوان استانداردهای خوب سینمایی را مشاهده کرد. با این توضیح به نظرم اصلی‌ترین گام را در این رابطه ارتش می‌تواند بردارد تا با سفارش کارهای با کیفیت بیشتر، روایتگر دلاوری ارتشیان در ۸ سال جنگ تحمیلی باشد.

معرفی کتاب «آرمان عزیز» همزمان با دومین سالگرد شهید آرمان علی‌وردی

برای آرمان امنیت

گروه فرهنگ و هنر: ۶ آبان ۱۴۰۱ خبر شهادت آرمان علی‌وردی، طلبه بسیجی ۲۱ ساله در جریان اغتشاشات در شهرک اکباتان بسیار خبرساز شد؛ موضوعی که با انتشار فیلم‌هایی از شکنجه این بسیجی توسط اغتشاشگران باعث شد به خبر اول تمام رسانه‌ها تبدیل شود. طلبه جوانی که در شرایط شکنجه وحشیانه اغتشاشگران هم حاضر نشد به امام و رهبر خود فحاشی کند و در نهایت نیز پس از ۲ روز بستری در بیمارستان بقیه‌الله به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

اما امروز در دومین سالگرد شهادت این جوان بسیجی نگاهی انداختیم به کتاب «آرمان عزیز» به قلم مجید محمدولی محصول نشر ۲۷ بعثت که سال ۱۴۰۲ منتشر و وارد بازار نشر شد.

کتاب پیش رو دربرگیرنده ۲۵ روایت از کودکی تا شهادت آرمان علی‌وردی یکی از شهدای اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در تهران است؛ او روز ۴ آبان سال ۱۴۰۱ در شهرک اکباتان توسط برخی اغتشاشگران ربوده و پس از شکنجه و ضرب‌وشتم با ضربات سنگ و چاقو، کنار خیابان رها شد. وی پس از انتقال به بیمارستان بقیه‌الله(عج) به‌دلیل شدت خون‌ریزی در روز ۶ آبان‌ماه در ۲۱ سالگی به شهادت رسید.

پیش از شروع بدنه اصلی کتاب «آرمان عزیز»، یادداشتی از حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران همچنین پیشگفتاری از مجید محمدولی، نویسنده کتاب درج شده است.

کتاب با بخش اول «روایت شهادت» شروع می‌شود که این توضیح پیش از آن درج شده است: «مطالب این بخش از کتاب، بر اساس رؤیت فیلم دوربین‌های مداربسته محل شهادت شهید آرمان علی‌وردی، فیلم‌های ضبط‌شده در تلفن‌های همراه متهمان پرونده از صحنه‌های ضرب و جرح شهید، همچنین اظهارات آنان در جریان بازجویی‌ها و نیز روایت شاهدان میدانی ماجرا به رشته تحریر درآمده که به دلایل امنیتی از ذکر نام آنها خودداری شده است».

۲۵ روایت با بخش منـدرج در این کتاب به این ترتیب هستند: «روایت شهادت (بخش اول)»، «روایت مادر (بخش اول)»، «روایت امیرعباس پارسا»، «روایت حجت‌الاسلام‌والمسلمین ظفر قاسمی»، «روایت محمدحسین روزبهایی»، «روایت سیدناصر موسوی»، «روایت علیرضا باقری»، «روایت مهدی صدری»، «روایت سیدعلی رهنماآذر»، «روایت مهدی دیندار»، «روایت محمدسالار شیدائیان»، «روایت علیرضا خلفی»، «روایت محمدمهدی فروغی»، «روایت مهدی معصومی»، «روایت سعید محمدخان»، «روایت علی هوشیارنصب»، «روایت عارف ابراهیمی و محمدجواد حمیدی»، «روایت محمدحسین معرفت»، «روایت عرفان صنیعی‌منش»، «روایت سلمان سپهر»، «روایت احسان‌الله خائف»، «روایت سیدعلیرضا بی‌تابی‌فر»، «روایت مادر (بخش دوم)»، «روایت پدر» و «روایت شهادت (بخش دوم)».

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «دوره اختبار به پایان رسید؛ سنت حوزه حاج‌آقا مجتهدی این است که پس از پایان دوره اختبار، ورودی‌های جدید را به یک اردوی ۲ روزه می‌برند؛ ما ۶۰ نفر با ۲ دستگاه اتوبوس، راهی روستای خوش‌آب و هوای فشم در بخش لواسانات شدیم، از اتوبوس‌ها پیاده شدیم و به سمت امامزاده عبدالله در روستای لالان، حدود ۲۰ کیلومتری فشم، به راه افتادیم. در مسیر، می‌گفتیم و می‌خندیدیم؛ پس از عبور از جاده خاکی، به صحن امامزاده رسیدیم. آنجا برنامه‌های متنوعی داشتیم که با زیارت بقعه مطهر آغاز شد. بگو و بخند و طرح سوال و بحث، برخی برنامه‌های‌مان در این اردو بود. یک ساعت قبل از اذان صبح بیدار شدیم. نماز صبح را که خواندیم، مربیان گفتند کوهپیمایی یک ساعته انجام می‌دهیم و بعد به امامزاده بازمی‌گردیم و صبحانه می‌خوریم. به سمت کوه راه افتادیم. کوهپیمایی، دمار از روزگارمان درآورد؛ مسیر بسیار سختی بود، کم‌کم صدای اعتراض بچه‌ها بلند شد؛ همه خسته، به کوه چسبیده بودند و کسی تکان نمی‌خورد. در میان اعتراضات، این آرمان بود که به همه روحیه داد و گفت: «بیشتر مسیر رو اومدیم. یه یاعلی دیگه بیشتر نمونده».

عجب روحیه‌ای داشت این پسر! بقیه هم بلند شدند؛ آن‌طرف کوه، راحت‌تر از این‌طرف بود. از آنجا می‌شد راحت پایین رفت. فقط چند متر از این راه، شیب تندی داشت و صخره‌ای بود، به خودم که آمدم دیدم همه رفته‌اند؛ به سمت مسیری که فکر می‌کردم درست است، حرکت کردم؛ مقداری که رفتم، ۲ نفر را دیدم که روی تخته‌سنگی نشسته‌اند و در حال بگو و بخند هستند. دقت کردم. آرمان بود و طلبه دیگری به‌نام آقای علوی. من را که دیدند دستی تکان دادند؛ آرمان گفت: «خدا قوت کوهنورد! بیا خستگی درکن». بعد از سلام و احوالپرسی، از او پرسیدم: «اسم شما چیه؟» گفت: «آرمان علی‌وردی». سریع گفتم: «منم حسین روزبهانی هستم». با هم دست دادیم و این شروع آشنایی‌ام با آرمان بود».

در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم: «در همین حین، یکی از خانم‌های ساکن شهرک اکباتان که حجاب کاملی هم نداشت و در حال عبور از آن محل بود، با دیدن صحنه پرتاب کوکتل‌مولوتف و آتش‌گرفتن منطقه فرود آن و بارش حجم عظیمی از سنگ و همچنین دویدن نیروهای امنیتی، دچار وحشت شد و به گریه افتاد. آرمان که در بین نیروهای گردان حضور نداشت و کنارتر مشغول رصد میدان بود، این صحنه را دید. به طرف آن خانم رفت و سلام کرد.

خواهر چرا گریه می‌کنی؟

ترسیده‌ام.

چرا ترسیدی؟ ما اینجا هستیم که شما آرامش داشته باشی؛ اومدیم تا شما نترسی. اینجاییم تا این همه سنگ و کوکتل‌مولوتف که پرتاب می‌شه، به شما نخوره و به ما بخوره، ترس نداره. من پسر شما هستم و کمک می‌کنم به جایی که می‌خواین، برین.

در همین حال، خود را بین آن خانم و آشوبگران قرار داد. پشت او به طرف اوباش بود و روی او به طرف آن خانم. ۲ دستش را باز کرد و گفت: «شما حرکت کنین و به سمت جایی که می‌خواین، برین. من شما رو همراهی می‌کنم. اگه چیزی به طرف شما پرتاب بشه، به من می‌خوره. خیالتون راحت باشه».

او به راه افتاد و آرمان هم با دستان باز، کنارش حرکت می‌کرد؛ از کنار نیروهای لباس شخصی گردان که عبور کردند، آن خانم رو کرد به نیروها و با لبخند گفت: «سلام، خسته نباشین».

آنقدر آرمان با او رفت تا به محل امنی رسیدند و دیگر خطر پرتابه‌ها آن خانم را تهدید نمی‌کرد. پس از آن، آرمان به سوی نیروهای گردان بازگشت».

این کتاب با ۳۹۲ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۵۵ هزار تومان منتشر شده است.